

متن کامل مصاحبه خبرگزاری فارس با آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی ایران

۱۳۸۷/۷/۶

خبرگزاری فارس: آقای یزدی! سفر آمریکا چطور بود؟ رسیدن بخیر؛ خوش گذشت؟ آب و هوا چطور بود؟ برای چه کاری به آمریکا سفر کرده بودید؟

ابراهیم یزدی: من اخیراً بعد از ۷ سال به آمریکا سفری داشتم. دفعه پیش سال ۸۱ بود که به آمریکا رفتم. از سال ۸۱ تا همین اواخر، آمریکایی‌ها به من ویزا نمی‌دادند. چندین بار اقدام کردم اما موافقت نکردند. سفر من به آمریکا دو انگیزه داشت؛ اول بخاطر بیماری من بود که معالجه و عمل کرده بودم و پزشک گفته بود سالی یکبار باید چکاب کنم اما این برای من مقدور نبود که سالی یکبار برای چکاب به آمریکا بروم. از طرفی پزشکان خوبی در ایران داریم که برای چکاب به آنها مراجعه می‌کنم. انگیزه دوم من از سفر به آمریکا دیدن نوه‌هایم بود. اما دو سال پیش که به سفارت آمریکا در دبی و فرانسه که به دعوت حزب سوسیالیست فرانسه برای شرکت در کنگره این حزب و صدمین سالگرد تشکیل حزب به فرانسه رفتم و در آنجا به سفارت آمریکا مراجعه کردم از واشنگتن استعلام کردند که به من ویزا بدهند یا نه که واشنگتن موافقت نکرد. تا اینکه مجله تایم یک مقاله نوشت و مطرح کرد که چرا به فلانی ویزا نمی‌دهند؟ خود مجله تایم جمع‌بندی‌اش این بود که اگر چه ابراهیم یزدی مخالف سیاست‌های و عملکردهای دولت کنونی ایران است اما به شدت از سیاست‌های بوش هم انتقاد می‌کند بنابراین امتناع دولت آمریکا از دادن ویزا به او بخاطر انتقادهایش از سیاست‌های بوش در افغانستان، عراق و جاهایی دیگر است. تا اینکه چند دانشگاه آمریکایی از من برای سخنرانی دعوت کردند؛ من هم در جواب دعوتشان گفتم که به من ویزا نمی‌دهند. آنها گفتند اگر ویزا را درست کنیم می‌آیید؟ جواب دادم اگر توانستید جور کنید می‌آیم. این بود که دانشگاه‌های آمریکایی برای من درخواست ویزا دادند و درست شد.

فارس: بعضی‌ها هر بار که شما به سفر آمریکا می‌روید مطالبی را در مورد شما و سفرتان مطرح می‌کنند و می‌گویند معالجه و دیدار خانواده بهانه است و ابراهیم یزدی با آمریکا و کاخ سفید سرو سری دارد. می‌گویند اصل سفر شما یک سفر کاملاً سیاسی است. اگر در این زمینه حرفی دارید بفرمایید.

ابراهیم یزدی: ببینید، ما یا باور داریم که مسلمانیم یا نداریم. اگر مسلمان هم نیستیم طبق فرمایش امام حسین (ع) باید «کونوا احراراً فی دنیاکم» یعنی در همین دنیای خودمان آزاده باشیم. بنابراین اگر حرفی می‌زنیم «البینة علی المدعی». کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند و این شایعات را می‌سازند در پیشگاه وجدان خودشان، تاریخ ملت ایران و اخلاق باید پاسخگو باشند و اسناد و مدارک خودشان را ارائه بدهند و گرنه من هم می‌توانم راجع به خیلی‌ها هر جور که دلم می‌خواهد حرف بزنم. کسانی در همین دولت کنونی حضور دارند که تبعه آمریکا هستند و به مراکز بزرگ وابسته هستند و کتمان هم نمی‌کنند اما فضای سیاسی مملکت را نباید با بعضی حرف‌ها آلوده کرد. بنابراین کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند خطاب به آنها می‌گویم: «هاتوا برهانکم ان کُنتم صادقین»؛ اگر برهان و دلیلی دارید بیاورید ارائه دهید.

یادمان نرود که وقتی مولایمان امام علی (ع) در مسجد شهید شد، شامی‌ها گفتند مگر علی نماز می‌خواند؟!

فارس: آقای یزدی! تیپ فکر شما و دوستانتان در نهضت آزادی بعد از انقلاب در ایران ماندید و گفتید که می‌خواهید در چارچوب سیستم و نظام سیاسی ایران فعالیت کنید، بعضی خبرها اخیراً منتشر شد که شما بعد از سفر به امریکا در صحبت‌هایتان تاکید کرده‌اید که باید از بسترها و فشارهای بین‌المللی برای فشار به جمهوری اسلامی استفاده کرد تا به اهداف مورد نظر رسید. آیا در شرایط کنونی استفاده از فشار و برانگیختن سازمان‌های بین‌المللی را علیه جمهوری اسلامی مشروع و جوانمردانه می‌دانید؟

ابراهیم یزدی: من به هیچ وجه در سخن خودم چنین حرفی را نزده‌ام. آنچه که من در سخنرانی خودم در موسسه خاورمیانه گفتم این است که این نظام تاکنون نتوانسته نشان بدهد که پیچیدگی جوامع کنونی را درک می‌کند. من معتقدم بخش اعظمی از روحانیون ایران که امروز حکومت را اداره می‌کنند نمی‌توانند و نتوانسته‌اند پیچیدگی‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه کنونی را درک کنند. به عنوان مثال؛ هرگز شما نمی‌توانید با دیدگاه‌های سنتی و قدیمی گذشته مشکل جوانها را حل کنید. من در سخنرانی خودم در آنجا گفتم که مفهوم دولت امروزه به کلی متحول شده و معنای تازه‌ای پیدا کرده و با دولت‌های سنتی در صد سال پیش متفاوت است. خلافت اسلامی که در قرن‌های گذشته در کشورهای اسلامی بوده یک چیز عتیقه است و به درد امروز نمی‌خورد. من در همانجا گفتم یک انقلاب اسلامی دیگری در ایران امکانپذیر نیست. بعد از این حرف، صدای آمریکا به من حمله کرد که چرا این حرف را زده‌ام؟ باید بدانیم که انقلاب مخملی و نارنجی در ایران امکانپذیر نیست. ایران با عراق و افغانستان که آمریکا به آنها حمله کرد کاملاً متفاوت است. ایران، کره شمالی و یا لیبی نیست. همه اینها را من گفته‌ام اما در عین حال می‌گویم و می‌پرسم: ایران به کدام سمت و سو می‌رود؟ من همچنان معتقدم ایران به سمت و سوی الگوی شوروی می‌رود.

الگوی شوروی یک حادثه بزرگ در تاریخ است زیرا برای اولین بار یک حکومت کاملاً توتالیتر با یک سازمان امنیت بسیار مخوف و نافذ به دلیل رانت خواری، فسادهای اخلاقی و فسادهای مالی نتوانست از تمام امکاناتی که شوروی دارد استفاده کند و تحت فشارهای داخلی مثل ناراضی مردم و فشارهای خارجی، خود حکومت به این نتیجه رسید که دیگر نمی‌تواند. البته معنای سخن من این نیست که در ایران دست روی دست بگذاریم که این اتفاق بیفتد بلکه باید تمام نیروهای اصلاح طلب کاری بکنند که اگر این اتفاق افتاد نیروهای بیگانه نیایند و بهره برداری نکنند. من با هر نوع استفاده‌ای از نیروی خارجی علیه ایران مخالفم. در صحبت‌های خودم در هفته گذشته در اصفهان در پاسخ به این سؤال که آیا شما فکر نمی‌کنید که آمریکایی‌ها به ایران حمله کنند اوضاع بهتر می‌شود؟ گفتم: خیر، آمریکا امام زمان نیست که منتظر ظهورش باشیم. بنابراین من به استفاده از فشار یا نهادهای بین‌المللی علیه ایران اعتقاد ندارم و هر کس این نسبت را به من بدهد نادرست نسبت داده. من در اصفهان گفتم ما ایرانی‌ها خیلی وطن پرست هستیم و کشورمان را دوست داریم بنابراین با هر نوع دخالت خارجی در کشورمان مخالفیم. سیاست‌های بوش در ایران نه تنها کمک به دموکراسی نمی‌کند بلکه مخل دموکراسی در ایران است.

فارس: طیفی از تحکیم وحدتی‌ها مثل علی افشاری و سازگارا معتقدند باید حتی از حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی هم استفاده کرد و خودشان هم با نئومحافظه‌کاران کاخ سفید ارتباط برقرار کرده‌اند. طیف ملی مذهبی‌ها مثل آقای سبحانی کاملاً با سازگارا و افشاری مخالف هستند و آنها را به خاطر این نظریه‌ای که داده‌اند شمتات می‌کنند. در این میان، شما و نهضت آزادی با امثال سازگارا و افشاری و حمله نظامی به ایران موافقید یا مخالف؟

ابراهیم یزدی: همکاری امثال سازگارا، افشاری و طیف تحکیم وحدتی‌ها با آمریکا جای تأسف دارد و بنده به شدت مخالف این نظریه هستم. بعضی از این آقایانی که اسم بردید حتی قبل از اینکه از ایران خارج شوند چنین نظری را داشتند. به صراحت می‌گویم به حال آن ملتی باید گریه کرد که زمامدارانش با مردم آنچنان رفتار کنند که وقتی نیروی خارجی حمله کند مردم به استقبال نیروهای بیگانه بروند. هنگامی که نیروهای متفقین وارد ایران شدند من یک نوجوان بودم. رضا شاه از ایران رفته بود. هنگامی که امریکایی‌ها وارد شدند در خیابان ژاله روبروی کوچه فلاح جایی بود بنام کوچه مریضخانه امریکایی که نیروهای آمریکا در آنجا مستقر شدند.

من در کنار خیابان شاهد بودم که وقتی امریکایی‌ها آمدند مردم بسیار خوشحال بودند که رضا شاه رفته و نیروهای متفقین آمده‌اند. در همین سال‌های اخیر، وقتی امریکایی‌ها به عراق حمله کردند و صدام سقوط کرد نیروهای امریکایی وقتی وارد شهرهای مختلف از جمله نجف شدند عده‌ای از مردم و روحانیون به استقبال آنها رفتند. من به شدت با کشیده شدن پای بیگانه‌ها به ایران مخالفم و معتقدم هر تغییری باید "دورن‌زا" باشد. به صراحت و کرات گفته‌ام که دموکراسی یک کالا نیست که به یک کشور صادر و یا وارد شود. در کوله پشتی‌های سربازان امریکایی چیزی بنام دموکراسی وجود ندارد.

فارس: آقای یزدی! نهضت آزادی مدعی است که سابقه‌اش از نظر سیاسی از گروه‌های دیگر بیشتر است ولی به نظر می‌رسد که طی دهه اخیر، نهضت آزادی به زائده حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تبدیل شده و هیچ سیاست و استراتژی خاصی از خودش ندارد؟ شما دنباله‌رو حزب مشارکت شده‌اید و بنا به گفته برخی این دلیل بر بی‌مایگی سیاسی نهضت آزادی است. شما این نظر را قبول دارید؟

ابراهیم یزدی: مطلقاً قبول ندارم. بعد از وقایع سال ۶۰ هنگامی که روشن شد یک سلسله انحرافات در عملکرد برخی مسئولان کشور بعد از استقرار جمهوری اسلامی به وجود آمده، دو دیدگاه به وجود آمد؛ یک دیدگاه، براندازانه بود، یک دیدگاه هم دیدگاهی که نهضت آزادی مطرح کرد و آن در پیش گرفتن سیاست‌های مسالمت‌آمیز، تغییرات تدریجی و مخالفت با براندازی بود. بنابراین نهضت آزادی قبل از آنکه همه این آقایان از حاکمیت بپرند و به جنبش اصلاح‌طلبی بپیوندند پیشگام در جنبش اصلاح‌طلبی بوده است. جنبش اصلاح‌طلبی به این معناست که ما اقرار و اعتراف می‌کنیم که در عملکردها و سیاست‌های حاکمان، اشکال و ایراد وجود دارد و باید درصدد اصلاح آن بر بیایم؛ اصلاح در چارچوب‌های قانونی و با استفاده از امکانات قانونی. این چیزی نیست که جبهه مشارکت و یا گروه‌های اصلاح‌طلب دیگر به نهضت آزادی داده باشند. نهضت آزادی در این راستا پیش‌تاز بوده اما سیاست خاص خودش را دارد. ما معتقدیم که برای اصلاح امور همه نیروها باید با هم همکاری کنند. این مساله‌ای نیست که فقط از عهده یک گروه بر بیاید. ما معتقد به تعامل میان همه احزاب سیاسی هستیم و

حتی از اینکه با حزب موفته اسلامی هم مکاتبه کنیم استقبال می‌کنیم و حتی از حزب موفته ایراد گرفته ایم که چرا به نامه‌های ما جواب نمی‌دهند. ما به حزب موفته گفته‌ایم که به رغم تمام قدرتی که دارید نمی‌توانید نهضت آزادی را از بین ببرید همانگونه که نتوانسته‌اید در طول ۳۰ سال گذشته از بین ببرید. ما هم در صدد این نیستیم که موفته نباشد چون تنوع افکار در اجتماع کاملاً طبیعی است. منافع ملی ما حکم می‌کند تمام گروه‌ها با هم هماهنگی داشته باشند. حتی در مراحل و مقاطعی، نیروهای راست هم می‌توانند در برابر حوادثی که کشورمان را مورد تهدید قرار می‌دهد با اصلاح طلبان یک جبهه واحد را تشکیل دهند. نهضت آزادی دنباله‌رو هیچ کس و هیچ گروهی نیست منتهی چون امکاناتی در اختیار نداریم و گروه‌های اصلاح طلب امکاناتی در اختیار دارند و چون سیاستی را که هم اکنون دارند سیاستی است که می‌تواند مورد قبول ما باشد با آنها همراهی کرده و سیاستشان را تأیید می‌کنیم.

فارس: یعنی شما از امکانات گروه‌های اصلاح طلب استفاده می‌کنید؟

ابراهیم یزدی: متأسفانه استفاده ما از امکانات گروه‌های اصلاح طلب چندان زیاد نیست. مثلاً حزب مشارکت روزنامه ارگان ندارد، مجاهدین انقلاب، ارگانی ندارد. حزب اعتماد ملی هم به ندرت و بعضاً در جاهایی از نهضت مطلب می‌زند. بنابراین این‌طور نیست که ما از امکانات آنها استفاده کنیم. اما هیچ‌گاه امتناع نکرده ایم از اینکه سیاست‌های آنها را بررسی کنیم. هر جا که سیاست‌های گروه‌ها در چارچوب سیاست‌های نهضت آزادی و برای استقرار حکومت مردم بر مردم باشد از آنها حمایت می‌کنیم.

فارس: آقای یزدی! سازمان مجاهدین و حزب مشارکت در دهه ۶۰ و ۷۰ مرزبندی‌های مشخص و تقابل‌گرایانه‌ای با نهضت آزادی داشتند و حتی در خیلی موارد در مخالفت با شما از نیروهای راست هم تندتر بودند اما در سال‌های اخیر پیوند مشترکی بین نهضت آزادی با حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب برقرار شده. آیا نهضت آزادی تغییر کرده یا آنها؟

ابراهیم یزدی: اولاً ما یک پروسه‌ای بنام "فراگیری" داریم. ثانیاً هیچ‌کس نمی‌تواند درباره گروه‌های سیاسی اعم از چپ و راست یا اصولگرا و اصلاح طلب با معیارهای ۳۰ سال پیش یا ۱۵ سال پیش قضاوت کند. ما یک جامعه در حال تغییر دائم داریم که در اثر این تغییرات و تجاری‌سازی که افراد پیدا می‌کنند مواضعشان را اصلاح می‌کنند. ما از اینکه گروه‌های سیاسی، آرام آرام به "واقع‌گرایی" نزدیک می‌شوند خوشحالیم؛ گروه‌هایی که ۱۰ سال پیش مرزبندی خودی و غیر خودی را ابداع کرده بودند امروز به این نتیجه رسیده‌اند که این مرزبندی‌ها واقع بینانه نیست. بنابراین نباید فراموش کنیم که همه احزاب و گروه‌ها در حال یادگیری هستند. موفته اسلامی امروز، موفته اسلامی ۱۰ سال پیش نیست. آقای هاشمی رفسنجانی امروز و کارگزاران امروز با ۱۰ سال پیش متفاوت اند. حتی جریان‌های اصلاح طلب هم با گذشته قابل مقایسه نیستند. همه این گروه‌ها تجربه پیدا کرده اند.

فارس: با توجه به اینکه چندین سال پیش سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مرزبندی خودی و غیر خودی‌اش نهضت آزادی را غیر خودی دانست اما امسال برای اولین بار از شما دعوت کرد در کنگره سازمان مجاهدین شرکت کنید و شما هم پذیرفتید، سوال این است که چه اتفاقی افتاده؟ شما خودی شده‌اید یا آنها غیر خودی شده‌اند؟

ابراهیم یزدی: زمان یک عامل بسیار مهم در یادگیری ماست. زمانی بود که مجاهدین انقلاب اسلامی در وضعیتی نبودند که بتوانند با نهضت آزادی بنشینند. اما در کنگره امسال ما را دعوت کردند و ما هم شرکت کردیم. همه اینها را تغییرات مثبت و مفیدی به نفع کشورمان می‌بینیم.

فارس: آقای یزدی! وزن سیاسی خودتان و نهضت آزادی را چقدر ارزیابی می‌کنید؟ فکر می‌کنید چقدر مورد قبول مردم و اثرگذار هستید؟

ابراهیم یزدی: در شرایطی که دفتر نهضت را از ما گرفته اند، روزنامه نداریم و حتی روزنامه‌ها مجاز به انتشار مطالب ما نیستند، هیچکس نمی‌تواند وزن یک حزب سیاسی مثل نهضت آزادی را ارزیابی کند. اما اگر حاکمان ما فکر می‌کنند که نهضت آزادی وزنی ندارد، باید از کاندیدا شدن ما در انتخابات استقبال کنند و بعد هم بگویند دیدید شما انتخاب نشدید! چرا نمی‌گذارند ما کاندیدا شویم و حتی سالگرد تاسیس نهضت را بر پا کنیم؟

فارس: شما مدعی هستید چون رد صلاحیت می‌شوید و اجازه فعالیت ندارید نمی‌توانید وزنتان را مشخص کنید اما شما و دوستان ملی مذهبی‌تان در انتخابات شوراهای دوم کاندیدا شدید، تبلیغات کردید، لیست دادید اما شکست سنگینی خوردید و با رأی و اقبال کم مردم مواجه شدید. این مساله را چطور توجیه می‌کنید؟

ابراهیم یزدی: اولاً رأی ما کم نبود، شما اگر رأی ما را با تمام گروه‌های دیگر مقایسه کنید رأی ما را شبیه آنها می‌بینید. ثانیاً اینکه نهضت آزادی ایران بر این باور است که راه حل مشکلات ایران، توسعه سیاسی است. بروز و ظهور توسعه سیاسی در انتخابات مشخص می‌شود. هدف از مشارکت در انتخابات صرفاً برنده شدن نیست؛ نفس اینکه انتخابات دوم شوراهای شهر تهران عادلانه بود و هیچکس را رد صلاحیت نکردند به نظر ما یک پیروزی بوده است؛ چه نهضت آزادی رأی آورده باشد چه نیاورده باشد. الان هم همین حرف را می‌زنیم که بگذارید نهضت آزادی هم دفتر داشته باشد و روزنامه منتشر کند. اگر مردم به ما اقبال آوردند شما حرف مردم را بپذیرید اما اگر مردم اقبال نکردند که هیچ.

فارس: اخیراً آقای دکتر عبدالکریم سروش راجع به قرآن مجید و وحی صحبت‌هایی داشت که با عکس العمل‌های منفی علما و بسیاری از اندیشمندان و حتی روشنفکران دینی مواجه شد. آقای بازرگان علیه سروش موضع گرفت و حرف‌های او را نادرست خواند. نظر شخصی شما و موضع نهضت آزادی درباره حرف‌های سروش چیست؟

ابراهیم یزدی: آقای سروش نمی‌گوید قرآن وحی نیست بلکه می‌گوید "وحی بی صورت" بر پیامبر نازل شده اما الفاظ از خود پیامبر است. ایشان لفظ و معنا را تفکیک کرده. انجمن اسلامی مهندسین همایشی را برگزار کرده که هنوز هم ادامه دارد. در این همایش افرادی سخن گفتند از جمله آقایان غفاری، دکتر غروی، آقای سبحانی و خود بنده. من در آنجا با نظر سروش مخالفت کردم و معیارهایی را برای ارزیابی ارائه دادم و آقای سروش را دعوت کردم که بر اساس این معیارها موضع را بررسی کند. معیار

این است که پیامبر اسلام (ص) به عنوان یک شخصیت صادق امین در تاریخ معروف است. خود حضرت محمد (ص) درباره قرآن چه چیزهایی گفته است؟ من سه اثر ماندگار را برای این موضوع بر شمرده ام؛ یکی احادیث نبوی است؛ خود پیامبر در احادیثش صراحت دارد که نه مضمون و نه لغت احادیث معنوی از خدا نیست. حتی در اوائل دوران پس از بعثت که مسلمانان شروع به نوشتن و حفظ آیات قرآن کردند بعضی‌ها شروع به نوشتن احادیث پیامبر کردند اما پیامبر آنها را از این کار منع کرد زیرا نگران بود که اینها با آیات قرآن قاطی شود. دوم، احادیث قدسی است که در آنها خود پیامبر امین فرموده که معنا را جبرائیل به من القا کرده اما لفظ این احادیث از من است و تاکید داشت که این احادیث هم وارد قرآن نشود. سوم، خود آیات قرآن است که پیامبر فرموده لفظ و معنای آنها هر دو از خداوند است نه از پیامبر. ما به عنوان یک پژوهشگر در برابر این واقعیت تاریخی جایی برای بحث نداریم. دومین مبنایی که ما برای ارزیابی علمی داریم خود قرآن است که می‌فرماید لفظ و معنا هر دو از جانب خداست. بنابراین حرف آقای سروش درست نیست.

فارس: نهضت آزادی در انتخابات سوم تیر ۸۴ ابتدا از آقای معین و در مرحله دوم تلویحاً از آقای هاشمی حمایت کرد اما باز با این حال اصلاح‌طلبان شکست خوردند. تحلیل شما از شکست اصلاحات چیست؟ چرا در سوم تیر، جریان اصلاحات رو به افول گذاشت؟

ابراهیم یزدی: اولین و بارزترین دلیل شکست اصلاح‌طلبان، تنوع‌گاندید بود. یعنی به جای این که از جانب اصلاح‌طلبان هم آقای کروبی هم آقای معین و هم به نوعی آقای هاشمی بیایند، یک‌گاندید معرفی می‌شد به نظر من اصلاح‌طلبان همان دور اول برنده بودند.

فارس: این حرف شما نظر آن دسته از کارشناسان را که می‌گویند بخش اعظم شکست اصلاح‌طلبان بخاطر اختلافات و مشکلات درونی بوده، تائید می‌کند. کمی درباره همین مشکلات درونی اصلاحات برای ما بگویید.

ابراهیم یزدی: جنبش اصلاح‌طلبی ایران یک واقعیت عینی اما فاقد رهبری است. آقای خاتمی هم که دو دوره انتخاب شد هیچگاه نقش "رهبری جنبش اصلاح‌طلبی" را ایفا نکرد بلکه تنها یک "رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب" بود. تفاوت‌های اساسی بین رهبر اصلاح‌طلبی با رئیس‌جمهور جریان اصلاح‌طلبی وجود دارد. رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب یک وظیفه خاص دارد اما رهبر اصلاح‌طلب باید در شرایط ویژه کارهای دیگری انجام دهد. مثلاً دکتر مصدق هم رئیس‌جمهور بود هم رهبر جنبش ملی. زمانی که در مجلس آقای جمال امامی شلوغ کرد و نگذاشت مرحوم مصدق سخنرانی کند، مصدق مجلس را ترک کرد و وسط خیابان بالای چهارپایه رفت و گفت مجلس آن جایی است که مردم هستند اما آقای خاتمی چنین نقشی را هرگز ایفا نکرد و هیچگاه مردم را مستقیماً دعوت نکرد که به آنها بگوید موانع کار کجاست؛ بالاخره مردم به او رای دادند و او و ام‌دار مردم بود و باید موانع را به مردم می‌گفت اما به هر دلیل نیامد بگوید و این یک نقص است. نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم هم هیچگاه مردم را دعوت نکردند که مشکلات را به مردم بگویند.

فارس: یعنی می‌گویید اصلاح طلبان از مردم فاصله گرفته بودند؟

ابراهیم یزدی: فاصله نه به آن معنا بلکه اصلاح‌طلبان ارتباطشان را با مردم قطع کرده بودند. زمانی که مردم در پای صحبت‌های یک سخنران می‌نشینند یک هماهنگی دینامیک بین سخنران و مردم ایجاد می‌شود در حالیکه با مقاله نوشتن و صحبت در تلویزیون این معنا حاصل نمی‌شود و هماهنگی برقرار نمی‌گردد. نمایندگان مجلس ششم با مردم رابطه‌شان را قطع کرده بودند به همین دلیل زمانی که در مجلس تحسن کردند بازتاب درون مردمی پیدا نکرد.

فارس: فاصله سیاسی نهضت آزادی با گروه‌های تحریم‌کننده انتخابات چقدر است؟ شما فکر می‌کنید گروه‌های تحریم‌کننده انتخابات چرا اشتباه می‌کنند؟

ابراهیم یزدی: نهضت آزادی می‌گوید ما مفتی نیستیم که فتوای تحریم بدهیم. یک سازمان سیاسی علی‌الاطلاق باید با انفعال سیاسی مردم مقابله کرده و آنها را دعوت به فعالیت کند. مردم ما به دلیل انفعالی که پیدا کرده‌اند منتظر حکم سیاسی هیچ سازمانی نیستند که در انتخابات شرکت کنند یا نه؟ بنابراین وقتی از تحریم صحبت می‌کنید یعنی به مردم بگویید مردم در خانه‌هایشان بنشینند. ما با تحریم انتخابات مخالفیم چون سیاست استراتژیک ما این است که هر نوع اصلاحاتی باید از درون شکل بگیرد و این اصلاحات بدون حضور و مشارکت مردم امکانپذیر نیست. بنابراین علی‌الاطلاق ما هم باید مردم را دعوت به شرکت کنیم. از طرفی ما با اعلام تحریم موافق نیستیم؛ ممکن است نهضت آزادی بگوید ما به این دلایل در انتخابات شرکت نمی‌کنیم اما این تحریم نیست بلکه فقط اعلام این است که یک حزب شرکت نمی‌کند.

فارس: چند وقت پیش از این‌ها صحبتی از شما نقل شده بود که گفته بودید آقای خاتمی، گورباچف است و ایران نیاز به یک یلتسین دارد و تلویحاً خودتان را یلتسین ایران معرفی کرده بودید. چه شده که بعد از گذشت این همه سال باز هم به سمت آقای خاتمی (همان گورباچف) برگشته‌اید و از او حمایت می‌کنید؟

ابراهیم یزدی: من در مقاله‌ای که بعد از سال اول پیروزی آقای خاتمی، در جواب عده‌ای که می‌گفتند خاتمی گورباچف ایران است نوشتم خاتمی خروشچف ایران است. خروشچف اولین کسی بود که بعد از استالین آمد و گفت وضع کشور نیاز به تغییرات اساسی دارد اما طبقه حاکم در شوروی سابق حرف خروشچف را نپذیرفت و او را از تمام مناصبش عزل کرد و به روستایی که در آنجا به دنیا آمده بود تبعیدش کرد. اگر رهبری شوروی، خروشچف را پذیرفته بود هرگز نیازی به گورباچف پیدا نمی‌کرد. در هیچ کدام من نگفته‌ام که من یلتسین ایران هستم. از طرفی، چون حاکمیت، خاتمی را نپذیرفت او امروز دیگر خروشچف هم نیست زیرا اگر چه برخی تغییرات را انجام داد اما در جاهایی ناموفق بود. به نظرم نظام اجتماعی و سیاسی ایران به سمت قفل شدن پیش می‌رود و آقای احمدی‌نژاد هم قفل‌های محکمی دارد می‌زند.

فارس: آقای یزدی! اگر تیپ فکری نهضت آزادی به دنبال فردی است که به عنوان سپر امنیتی آنها در حاکمیت و نظام عمل کند چرا سراغ آقای کروبی نمی‌رود؟ تجربه ثابت کرده که آقای کروبی صریح‌تر، عملگراتر و پیگیرتر از آقای خاتمی است.

ابراهیم یزدی: قضیه این است که اصلاح‌طلب‌ها باید به کاندیدای واحدی برسند. ما تعیین کننده نیستیم. نیروهای اصلاح‌طلب تعیین می‌کنند و ما فقط به عنوان یک گروه سیاسی که تجربه بیشتری داریم به آنها می‌گوئیم که باید یک کاندیدای واحد داشته باشند. کاندیدای اصلاح‌طلبان هرکسی که باشد ما با او مذاکره می‌کنیم و قول و قرار و شرط می‌گذاریم. آقای خاتمی می‌تواند لولای این ائتلاف باشد.

فارس: آیا آقای کروبی می‌تواند نقش لولای ائتلاف را داشته باشد یا نه؟

ابراهیم یزدی: آقای کروبی هم می‌تواند لولای ائتلاف باشد اما با درجات کمتری؛ زیرا در مجلس ششم اختلافاتی بین آقای کروبی و نمایندگان اصلاح‌طلب به وجود آمد که هیچگاه ترمیم نشده. آقای خاتمی می‌تواند این مرمت را انجام دهد. بنابراین هرکدام از این دو بزرگوار و یا حتی عبدالله نوری که بیایند باید فعال بیایند نه منفعل و باید از تمام نیروها دعوت کنند. جنبش اصلاح‌طلبی نیاز به یک واحد رهبری‌کننده دارد. یک حزب به تنهایی نمی‌تواند بلکه مجموعه احزاب می‌توانند. اگر آقای کروبی بخواهد لولای ائتلاف باشد نیازمند این است که آقای خاتمی ارتباط او را با اصلاح‌طلبان ترمیم کند. البته باید مشخص شود که موضع این سه دوست ما درباره حکم حکومتی چیست؟ اگر براساس حکم حکومتی، این دوستان وارد عرصه شوند همه این تلاش‌ها عبث خواهد بود. ما در قانون اساسی چیزی بنام حکم حکومتی نداریم.

فارس: شما چند وقت پیش گفتید «تا غده سرطانی اسرائیل از بین نرود آرامش به منطقه نمی‌آید». الان هم همین نظر را دارید؟

ابراهیم یزدی: اسرائیل دو وجه دارد، یک وجهش این است که در شرایط کنونی بحث تشکیل دو دولت مطرح شده. ما از این نظریه حمایت می‌کنیم اما در عین حال معتقدیم اسرائیل این طرح را به دلایلی نمی‌پذیرد از جمله اینکه اگر اسرائیل این طرح را بپذیرد و دو دولت تشکیل و تلاطم جنگ در خاورمیانه تمام شود اسرائیل در درازمدت موجودیت خودش را از دست خواهد داد. به جای اینکه بگوئیم اسرائیل باید نابود شود می‌گوئیم اسرائیل باید این طرح را بپذیرد.

فارس: یعنی الان دیگر به «نابودی غده سرطانی اسرائیل» اعتقاد ندارید؟

ابراهیم یزدی: وقتی می‌گوئیم نابودی نابودی یعنی چه؟

فارس: اصلاً شما اسرائیل را یک غده سرطانی می‌دانید یا نه؟

ابراهیم یزدی: سیاستی را که صهیونیست‌ها اتخاذ کرده‌اند سرطانی و کشنده است. حتی خیلی از خود یهودی‌ها هم به این نتیجه رسیده‌اند و معتقدند سیاست صهیونیست‌ها غلط است. آقای اولمرت خودش

صریحاً گفته که باید شرکت‌های یهودی‌نشین را جمع کنیم و صلح را بپذیریم زیرا اگر نپذیریم نابود می‌شویم. اسرائیل سر یک پیچ بزرگ تاریخ قرار گرفته.

فارس: آقای یزدی! چرا خیلی‌ها که وارد نهضت آزادی شده‌اند مثل سازمان مجاهدین خلق، دفتر تحکیم وحدت و امثال حنیف‌نژاد به التقاط رسیده‌اند؟ اشکال از خود آنها بوده یا مبانی مورد پذیرش نهضت آزادی مشکل دارد؟

ابراهیم یزدی: گزاره‌ای که شما مطرح کردید نادرست است. چنین چیزی درست نیست که هرکس با نهضت ارتباط برقرار کرد به التقاط می‌رسد. خود ماها ۵۰، ۶۰ سال است که با نهضت هستیم اما التقاطی نشده‌ایم. از طرفی، شواهد زیادی وجود دارد که افرادی در حوزه علمیه قم به التقاط رسیده‌اند. گروه فرقان محصول چه بود؟ نهضت آزادی نمی‌تواند کاری بالاتر از پیامبر خدا انجام دهد. مگر تمام اصحاب و شاگردان پیامبر همه علی و سلمان و ابوذر شدند؟ هیچ کس پیامبر را ملامت نمی‌کند که چرا از میان اصحابش امثال طلحه و زبیر، عبدالرحمن بن عوف و ... بیرون آمدند؟ فرزند پیامبر را در کربلا هم همین مسلمان‌ها کشتند. حنیف نژاد و گروه‌های اولیه سازمان مجاهدین خلق التقاطی فکر نمی‌کردند جز در بعضی موارد مثل "نشریه شناخت". نباید حکم کلی صادر کرد زیرا از میان اصحاب پیامبر، خوارج نیز بیرون آمدند. از میان خود حوزه‌های فقهی هم امثال بهاء‌الله و باب‌الله بیرون آمده‌اند اما این ربطی به کلیت حوزه ندارد.